ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•دوشنبه•۲۶ شهریور ۱۳۹۷•شماره ۱۱۴۰

حدیث روز

امام هـادی(ع): اعتبار مـردم در دنیا به مال است و در آخرت به عمل.

بحار الانوار

ذکر روز دوشنبه
صد مرتبه «یا ارحم الراحمین»

در محضر بزرگان

مومنان از غیر خدا، کور و کرند

مرحوم حاج اسماعیل دولابی فرموده اند: «وقتی محبّت دنیا، اهل دنیا را از غیر دنیا کور و کر ساخته است، آیا این ادعای بزرگی است که بگوییم اهل ا... و مؤمنین از غیر خدا کور و کرند؟ مؤمنین چشم شان از دیدن غیر خدا، کور است و گوش شان از شنیدن حرف های غیرخدایی همچون غیبت و تهمت کر، و زبان شان از غیر سخنان خدایی و غیر ذکر خوبان، لال و دست شان از انجام کارهای غیرخدایی مثل زدن بر سر ضعفا شکسته و پای شان از رفتن به راه های غیرخدایی، لنگ و شکسته است.» **برگرفته از «مصباح الهدی»**

حکایت

لطف کبوتر و مورچه

بر لب جویباری زلال کبوتری مشغول خوردن آب بود. مورچه ای را دید که درون آب افتاده، برگی از درخت جدا ساخت و درون آب انداخت و مورها گشت. در آن دم صیادی کمان به دست از آن حوالی می گذشت، کبوتر را دید و قصد جانش را کرد. مورچه سریع پای صیاد را گزید. صیاد تا سر برگرداند که ببیند پایش را چه گزیده، تیر از کمان رها شد و به درخت خورد و کبوتر از مرگ رها گشت.

نویسنده: ژان دو لافونتن
مترجم: ملیحه صمدی

سخن بزرگان

*وقـتـی کـه صـفـات خـوب دیـگـران را تعریف می کنیم، در حقیقت احساسات عالی خود را احترام می گذاریم، نه ارزش مردم را.
لاروشفوکولد

*آدم های نادان همیشه به خود اعتماد دارند اما تمام وجود افراد فهمیده را شک و تردید فرا گرفته است. **برتراند راسل**

* خوشبختی بر سه ستون استوار است: فراموش کردن گذشته، غنیمت شمردن حال و امیدوار بودن به آینده. **مترلینگ**

* حافظه؛ پرونده تخیل عقل، دفتر ثبت وجدان و مخزن اندیشه است. **بازیل**

* حسد همچون مگس است که همه جای بدن سالم را رها می کند و به روی زخم های آن می نشیند. **چاپمن**

برگرفته از کتاب «رهنمون»
تالیف غلامحسین ذوالفقاری

ریشه واژه ها

ناهار یا نهار؟

باید دقت کنیم این کلمه با کلمه عربی «نهار» به معنی «روز» متفاوت است. واژه «ناهار» که در اصل «ناآهار» بوده، یک واژه کاملا فارسی است. به عنوان مثال فردوسی در یکی از ابیات شاهنامه آورده است:

نهادند خوان و بخندید شاه
که «ناهار» بودی همانا به راه

کلمه «آهار» به معنای خوراک است و ناهار (کلمه نفی آهار) یعنی کسی که گرسنه است و از بامداد تا نیمروز چیزی نخورده است. همچنین در معنای «خوراکی اندک» هم آمده که بعد از مدتی چیزی نخوردن، می خورند. فرهنگ نویسان این واژه را به معنی چاشت و ناشتایی هم ضبط کرده اند.

برگرفته از «یافته های ادبی»
نوشته نصرا... احمدی مهروز و زینب بیات

قرار مدار

اندکی صبر

فوران عشق

حسین بازپور

این شعر از ژرفای وجودم
به بیرون فوران کرده است
چشمت را باز کن!
فواره ها دسته دسته کوچ می کنند
به جایی سرد سرد!

دنیا به روایت تصویر

گاردین| فوتبال آبی در خیابان های آب گرفته، انگلستان

گتی ایمیج| فلامینگوها روی دریاچه خشک شده، ترکیه

یاهو| مادری بازی فوتبال را برای پسر نابینایش از سکوهای ورزشگاه پالمیراس گزارش می کند

فتوترانه

با کاروان کربلا

سعید (سعد) بن عبدا... حنفی

سپر نماز امام(ع)

همه ما از کودکی با شنیدن ماجرای کربلا بزرگ شده ایم. ذکر مصیبت های عاشورا در جان مان پیچیده و تک تک وقایع «روز واقعه» جلوی چشمان مان جان گرفته است. در این سلسله مطالب می خواهیم با کاروان کربلا همسفر شویم و با شخصیت های تاثیر گذار صحرای کربلا که کمتر می شناسیم شان یا حتی اصلا نام شان به گوش مان نخورده است بیشتر آشنا شویم.

«سعید بن عبدا...» از بزرگان کوفه و فردی ممتاز از نظر شجاعت، عبادت و تقوا به شمار می رفت. او به خدمت امام حسین(ع) رفت و نامه دعوت عده ای از مردم کوفه را به همراه خود برد. سپس نامه امام(ع) را برای مردم کوفه رساند. سعید پس از بیعت کوفیان با مسلم بن عقیل، دوباره به خدمت امام(ع) در مکه رسید و نامه مسلم را تحویل داد. زمانی حدود شش ماه این مرد به عشق امامش در دشت و بیابان در رفت و آمد بود تا این که به مقصود خود رسید.

در شب عاشورا هنگامی که امام(ع) خطبه خواند و از یارانش خواست تا از تاریکی شب برای رفتن استفاده کنند، دومین نفر از اصحاب بود که از جای برخاست و شوری به پا کرد. وی گفت: «یا ابن رسول ا...(ص) به خدا سوگند ما دست از یاری شما بر نخواهیم داشت... به خدا سوگند اگر کشته شوم، سپس زنده گردم، هفتاد مرتبه مرا بسوزانند و خاکستر مرا به باد دهند، باز هم از شما دست بر نخواهم داشت.» سعید به میدان رفت، در حالی که این رجز را می خواند: «ای حسین(ع)، پیش آی که امروز جدت احمد(ص) را دیدار می کنی، و علی(ع) آن پدر و راهبر بزرگوار و بخشنده ات را، و نیز حسن(ع) را که مانند بدر رخشان و از ستارگان برتر بود.»

با این که امام حسین(ع) در اول ظهر روز عاشورا برای ادای نماز پیشنهاد آتش بس موقت داد، اما دشمن آن را نپذیرفت و امام(ع) و یارانش بدون توجه به حملات دشمن به نماز ایستادند. در لهوف آمده است: «هنگامی که وقت نماز ظهر رسید، امام(ع) به زهیر بن قین و سعید بن عبدا... حنفی دستور داد تا به همراه نیمی از یاران باقی مانده در مقابل او قرار گیرند تا به همراه نیم دیگر از یاران نماز بخواند. در حال نماز خوف تیری از طرف دشمن به حضرت نشانه رفت، این جا بود که سعید بن عبدا... پیش رفته، سینه خود را سپر امام(ع) قرار داد و پیوسته بر این حال بود تا از شدت جراحات بر زمین افتاد...» طبری نیز در تاریخ می نویسد: «در پایان نماز خوفی که امام حسین(ع) در اول ظهر عاشورا خواند، درگیری سختی پیش آمد و زمانی که دشمن خود را به امام(ع) رساند، سعید حنفی پیش روی امام قرار گرفت و خود را هدف تیرهای دشمنان قرار داد. سپاه عمر سعد از چپ و راست به سوی امام تیراندازی می کردند و سعید گاهی با صورت، گاهی با سینه، گاهی به دو دست و گاهی هم به پهلوی خود پذیرای تیرها می شد، به گونه ای که حتی یک تیر هم به امام(ع) اصابت نکرد تا این که به زمین افتاد...»

زمانی که سعید بن عبدا... به زمین افتاد و در حال جان دادن بود، دعا می خواند، سپس رو به امام(ع) کرد و گفت: «ای فرزند رسول خدا، آیا به پیمانم عمل کردم؟» امام حسین(ع) فرمودند: «آری؛ تو در بهشت پیشاپیش من قرار داری.» نقل شده که سعید هنگام شهادت، به جز زخم های شمشیر و نیزه، ۱۳ تیر نیز بر بدنش بود.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ویکی شیعه

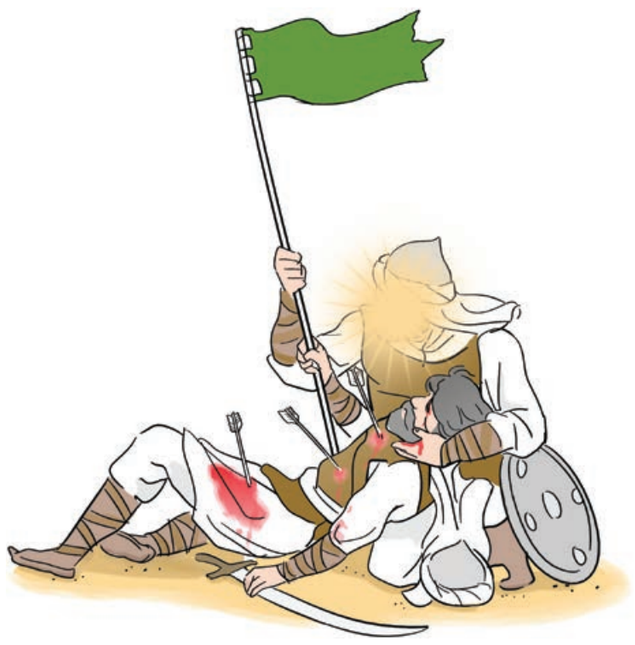

بریده کتاب

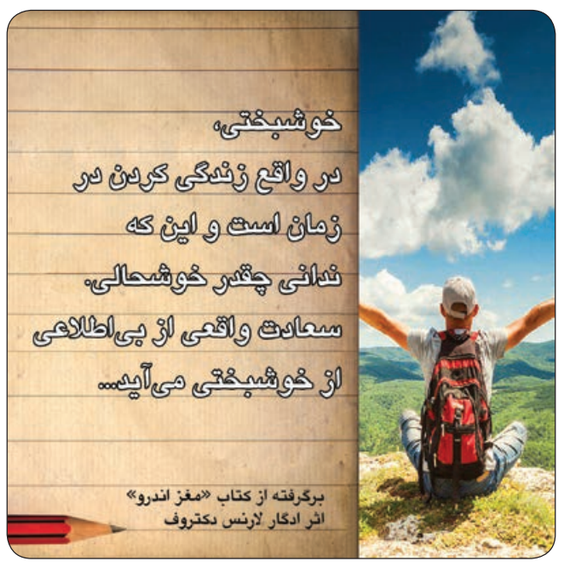

دور دنیا

کفش های ورزشی معجزه کننده

آدیتی سنترال- به طور متوسط با هر نیم ساعت پیاده روی حدود ۷۵ تا ۱۵۰ کالری سوزانده می شود اما با کفش های جدید «ماهیچه های قوی» این مقدار به ۳۰۰ کالری در زمان مشابه می رسد. وزن این کفش ها دو برابر کفش های معمولی است و در عین حال از قوزک و پاشنه پا محافظت می کند تا آسیبی به آن وارد نشود.

شرکت ژاپنی تولید کننده این کفش ها مدعی است که میزان کالری سوزی بالای این کفش ها به عضلات و مفاصل پا آسیبی نمی رساند.

شهر بدون پرنده

دیلی میل- «آرمیانسک» نام شهر کوچکی در شبه جزیره کریمه کنگو است که سال هاست به دلیل یک ماده شیمیایی ناشناخته، هیچ پرنده ای در آن پر نمی زند! سال ها پیش در زمان جنگ این منطقه، ماده زرد رنگ ناشناخته ای که بوی نامطبوعی داشت، تمام سطح شهر را پوشاند و سبب مشکلات تنفسی زیادی برای مردم این شهر شد. در ابتدا ساکنان متوجه فرار و مرگ کلاغ ها شدند و سپس عده زیادی از آن ها دچار مشکلات تنفسی شدند که تا کنون هم ادامه دارد. اما مقامات محلی هیچ فکری به حال آن ها نکردند. حالا سال هاست که هیچ پرنده ای در این شهر دیده نشده و هیچ علتی هم برای پخش ماده شیمیایی اسرار آمیز ذکر نشده است!

ماهیان عجیب مخوف ترین قسمت دریا

آدیتی سنترال- دانشمندان دانشگاه نیوکاسل به تازگی در بررسی های خود متوجه وجود ماهیانی شده اند که در عمیق ترین قسمت دریا زندگی می کنند و اگر به سطح آب آورده شوند، ذوب می شوند. آن ها تحقیقات شان را در یکی از عمیق ترین قسمت های اقیانوس آرام و در منطقه ای به نام «آتاماکا» در نزدیکی ساحل پرو و در عمق ۷۵۰۰ متری دریا انجام دادند. هیچ انسانی از فشار بالا در این منطقه نمی تواند زنده بماند و درجه حرارت آب هم به دلیل نرسیدن نور خورشید پایین تر از دمای انجماد است، اما سه نوع ماهی در این عمق شناسایی شده اند که به دلیل شرایط جوی این قسمت، اگر به سطح آب آورده شوند ذوب می شوند!

جایزه برای توانایی های عجیب

دیلی میل- اگر بتوانید ثابت کنید که توانایی عجیبی دارید، مثلا می توانید با قدرت ذهن اجسام را جابه جا کنید یا با استفاده از یک وسیله ساده می توانید آب را در زیر زمین شناسایی کنید، دانشگاه «ورزبرگ» در آلمان به شما هزار یورو جایزه می دهد! عده ای از دانشمندان آلمانی معتقدند کسانی که توانایی یا نیروهای ابر انسانی دارند همیشه مورد غفلت قرار می گیرند. بنابراین برای این که این افراد تشویق شوند تا از استعداد خدادادی شان استفاده کنند، این دانشگاه هر سال مسابقه ای برگزار می کند و هر کس بتواند به داوران ثابت کند که دارای نیرو یا استعدادی خارق العاده است، جایزه می گیرد.

شعر

رباعیات عاشورایی

حسین شادمهر

دلخسته و پر گناه باز آمده ام
از راه پر اشتباه باز آمده ام
با پرچم سرخ یا حسینم عهدی ست
با پیرهن سیاه باز آمده ام

***

با قافله سبز خدا کوچیدند
در دشت بلا فقط خدا را دیدند
آن روز برای سبزی فصل بهار
هفتاد و دو لاله، کربلا روییدند

***

این جا دل خاک، بس نگین افتاده
گل های قشنگ و نازنین افتاده
خورشید طلوع کرده هنگام غروب
هفتاد و دو ماه بر زمین افتاده

ترسانک

سلفی با ارواح

نصف شب از خواب بیدار شد، صدای نفس های آرامی را از زیر تختش حس کرد. خم شد. کسی یا چیزی زیر تخت نبود. خوابید. دوباره صدای نفس نفسی را شنید. پتو را برداشت. رفت توی هال، روی کاناپه خوابید. چند ساعت بعد بیدار شد، در حالی که روی تختش بود. یادش نمی آمد چه زمانی از روی کاناپه به تخت برگشته. برای این که ذهنش را مشغول کند، گوشی را برداشت. یک سلفی عجیب در گالری دید. این را هم به خاطر نداشت که چه زمانی با چشم بسته روی تخت از خودش سلفی گرفته؟ عکس بعدی وحشتش را بیشتر کرد. در این عکس هم چشم هایش بسته و هر دو دستش هم پیدا بود. پس سلفی نبود. نور گوشی را که بیشتر کرد یک جفت پای سیاه در عکس دید. انگار کسی بالای سرش ایستاده و با گوشی از او عکس گرفته بود. ترسید. گوشی را پرت کرد و به سمت در رفت. اما در اتاق بسته شد... یک جفت پای سیاه از در نیمه باز کمد لباس بیرون زد...

سید مصطفی صابری

تفأل

معرفت نیست در این قوم خدا را سببی
تا برم گوهر خود را به خریدار دگر
یار اگر رفت و حق صحبت دیرین نشناخت
حاش لله که روم من ز پی یار دگر

کآشوب

کربلای ما از کجا شروع می شود؟

دوستم می گفت کربلای هر کسی از یک جایی شروع می شود. هر سهمی که از زخم به کسی می دهند انگار دعوت نامه ای باشد به مجلس روضه. رنج ها غبار از دل و جان آدم ها پاک می کنند. هر کس رنج بیشتری کشیده باشد، به مصیبت کربلا نزدیک تر می شود. بعضی ها را هم روزگار قدم به قدم می رساند پشت خیمه حسین(ع). دوستم می گفت این هایی که پشت خیمه می رسند با سعادت های مجلس اند. کسی نمی داند کجا می نشینند. ویژگی خاصی ندارند که قابل شناسایی باشند. احتمالا از آن بالا بشود به شکل نقطه های روشنی توی جمع دیدشان. دوستم نذر کرده بود چهل مجلس چای تعارف کند. می گفت شاید یکی از این نقطه های روشن چای بردارد و دل من را هم روشن کند. چادر می بست به کمرش و سینی به آن بزرگی را بلند می کرد. باید حواسش را جمع می کرد یک وقت نخورد به بچه های بازیگوشی که وسط مجلس بدوبدو می کردند. گاهی دل دل می کردم که بلند شوم بروم کمکش. ولی زود این فکر را پس می زدم و کمرم را می چسباندم به دیوار.

دوستم می گفت کربلای هر کسی از جایی شروع می شود و کربلای من از عمو شروع شد. جنگ تمام شده بود و عمو نیامده بود. هر از گاهی امید مثل شهاب از آسمان دل مان رد می شد و چشم هامان را به در می دوخت. «شنیدند که رادیو عراق از اسیرها مصاحبه می گرفته. یکی شون گفته من امیرم. صداش مثل امیر خودمون بوده». یا «صلیب سرخ عکس اسرا رو فرستاده برای خونواده هاشون. تو یکی از عکس ها ردیف دوم سمت راست یه نفر نشسته که خیلی شبیه امیره». عکسی که از روی فیلم صلیب سرخ گرفته بودند، نمی دانم از کجا به دست ما رسید. ازش کپی گرفتیم. بزرگ. زدیمش به دیوار. ساعت ها بهش خیره می شدم. هر کار می کردم نمی توانستم میان صورت عمو و صورت آن بنده خدایی که می گفتند شکل عموست شباهتی پیدا کنم. تعجب می کردم که دیگران چهره اش را از یاد برده اند.

دوستم می گفت: «اسارت سخته. آب میشن». روضه خوان داشت می خواند:

«سنگی که می زند به فرقم زروی بام
بر زخم تازه سر من گریه می کند
از حلقه های سلسله خون می چکد چو اشک
زنجیر هم به پیکر من گریه می کند
زن های شام هلهله و خنده می کنند
جایی که جد اطهر من گریه می کند».

بریده ای از روایت «کجای مجلس نشسته اند» به قلم اعظم ایرانشاهی از کتاب کآشوب

قاب جهان

مسلمانان چین

در شرقی ترین قسمت چین در شهر شانگهای هم نشانی از اسلام هست. این مسجد پررونق در قلب شانگهای واقع شده است. این جا جمعیت مسلمان منسجمی دارد که از امکانات مالی خوبی برخوردارند. تقریبا تمام مسلمانانی که این جا به چشم می خورند اصالت چینی دارند و تلفیق فرهنگ چینی-اسلامی یک هویت منحصر به فرد به آن ها داده است.

دکتر ناصر مکارم، استاد دانشگاه از اسکاتلند

ما و شما

راه های ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام

*در جواب خواننده ای که گفته بود ترسانک نزنین و ما می ترسیم، خب دوست عزیز شما نخون! اتفاقا من و دوست هام خیلی زیاد این بخش رو دوست داریم و حتی اگر هر روز هم ترسانک توی زندگی سلام باشه، لذت می بریم. **آرمین و دوستان**

*از محبت هایت متشکریم مادر...
زینب و باران ناریابی

* مطلب مخترعان ناشناخته عالی بود. خیلی وقت بود دنبال این جور مطالب کمیاب می گشتم. ممنون از شما.
داودلی، قوچان

* داشتن مغز دلیل بر انسان بودن نیست، پسته و بادام هم مغز دارند... برای انسان بودن باید شعور داشت.
زهره، مشهد

* قسمت زندگی سلام شنبه واقعا جالب بود. اگه میشه باز هم چنین مطالبی رو چاپ کنید. خیلی ممنون.
رقیه دانشور زارع، ابرده علیا

* ای کاش اسم این هم خدمتی من رو هم می نوشتین. ای کاش باعث و بانی این بشین ما هم رو پیدا کنیم. خیلی خوشحال میشم یه دوست قدیمی رو ببینم. **مجنونپور**

ما و شما: ایشون اسمشون رو ننوشته بودن. اگر تمایل داشته باشن بهمون پیام بدن.

*آق کمال؛ نام جناب عالی در مطلب خواندنی مخترعان ناشناخته واقعا خالی بود!
آق کمال: دقیقا درست مگن، البته مو شناخته شده هستم و باید تو مطلب شناخته شده ها اسمم بیه!

*با تشکر از مطالب خوب تان، کاش عکس غارهای آبی را بزرگ تر چاپ می کردید تا این پدیده های زیبا بیشتر به چشم بیایند.
معصومه ربیعی

*منزلگه عشاق دل آگاه حسین(ع) است
بیراهه نرو ساده ترین راه حسین(ع) است
از مردم گمراه جهان راه مجویید
نزدیک ترین راه به ا... حسین(ع) است
احمد آقا اوغلی، قوچان

*همسر عزیزم سرکار خانم فرزانه جباری، فرشته آسمانی من، عزیزترینم، عاشقانه دوستت دارم. **محسن نیکو**

*پیام صرفه جویی: بعضی ها وقتی یخچال و فریزر نو می خرن، دلشون نمیاد اون قبلی رو رد کنن بره و یه گوشه نگهش می دارن و می زنن به برق. این کار هم الکی مصرف برق را بالا می بره و هم وسیله ای که میشه به دست یک مستحق برسه، بهش نمی رسه.

زندگی سلام تکانی

به نظرتون زندگی سلام تکراری شده؟ شاید هم معتقدین ما بهتر شدیم و خبر نداریم. خب این جوری که نمیشه. با ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۶۶ تماس بگیرین و به ما کمک کنین مطابق نظر شما یک تکون اساسی به محتوا و قیافه تمام صفحاتمون بدیم. از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲:۳۰ معاون سردبیر روزنامه، سید مصطفی صابری، منتظر شنیدن نظرات شماست.